

یادداشت

چندی در میان ایرانیان

علی رنجی پور

ایران و ایرانی‌ها برای شرق‌شناسان خارجی همیشه سوزهی جذاب بوده است. البته این جذابیت همواره دوسویه بوده است، چرا که ایرانی‌ها هم همواره برای مستشرقان اروپایی احترام زیادی قائل بوده‌اند و آنان را در صدر نویسندگان و محققان غربی نشانده و تکریم و تمجیدشان کرده‌اند. شاید نوع مواجهه اروپایی‌ها و امریکایی‌ها با ایران و اظهار شگفتی جملگی آنها از خلقیات ایرانی‌ها و مظاهر فرهنگ ایرانی دلیل اصلی نوع ارتباط خوب ما با ایران‌شناسان در طول تاریخ باشد. به هر حال ما مردمان خاصی هستیم و طبیعت مناسبات اجتماعی ما در طول تاریخ، به نسبت سایر ملل تفاوت‌های اساسی می‌کند. نوعی زندگی تاریخی، فرهنگی و ویژگی اخلاقی ایرانی‌ها است که علاوه بر درون‌گرایی شرقی که آغشته به بی‌نظمی‌های خلقی و یک نوع صفای غریب درونی است، ما را به سوزه‌یی جذاب برای اروپایی‌ها و امریکایی‌های آداب‌دان و منظم تبدیل کرده است. از این رو غالب شرق‌شناسان اروپایی وقتی مشاهدات خود را از سفر تحقیقی به ایران بازگو می‌کنند، همواره بانوعی شیفنگی درباره عجایی و غریبای می‌کشایند که در کمتر نقطه‌ای از دنیا می‌شود نمونه آن را سراغ گرفت.

نمونه‌اش ادوارد براون شرق‌شناس مشهور انگلیسی که هنوز که هنوز است، بعد ۱۵۰ سال از سفرش به ایران و انتشار مطالعات و تحقیقاتش، همچنان جایگاه خاصی در کشور ما دارد و مورد احترام عوام و خواص است. در حالی که جز چند مبارز و سیاستمدار مصلح خارجی، نام هیچ فرد خارجی روی خیابان‌های پایتخت ما نیست، نام ادوارد براون به رغم همه حواشی که درباره ارتباط او با یکی از فرق ضالاه مذهبی مطرح است، روی یکی از کوچه‌های اصلی میدان انقلاب مانند نقش بسته و خوش می‌درخشد و این نشان‌دهنده چیزی جز این نیست که هر چقدر ایران برای براون مهم بوده که بهترین سال‌های زندگی‌اش را با بورس دانشگاه کمبریج در بیابان‌ها و شهرهای آن سپری کند، براون هم برای ایرانی‌ها اهمیت داشته و دارد چراکه مشاهدات خود را با کمی تسامح، منصفانه درباره جامعه ایرانی منتشر کرده و در معرض دید مشتاق و متحیر و متعجب غربی‌ها قرار داده است.

خواندنی‌ترین کتاب براون درباره ایران، «یک سال در میان ایرانیان» نام دارد که اندکی پس از مراجعت وی از سفر انگلستان، در آنجا به یادرسید و مورد استقبال جوامع دانشگاهی و عامه مردم اروپا قرار گرفت. این کتاب که همین چند سال پیش به دست «امانی صالحی علامه» به فارسی ترجمه شد، در ایران نیز بسیار مورد توجه قرار گرفت و به عنوان یک سفرنامه جذاب و یک منبع نسبتاً قابل قبول برای شناخت وضع کلی ایران (نه فقط تهران) در اواخر دوره ناصری با استقبال کتاب‌خوان‌های ایرانی روبه‌رو شد. «یک سال در میان ایرانیان» در سال ۱۸۶۰ میلادی اتفاق می‌افتد. قصه در بخش مقدمه از دلایل علاقه‌مند شدن براون به زبان فارسی و ایران در دانشگاه کمبریج آغاز می‌شود، در تهران و اصفهان و شیراز دنبال می‌شود، در استحاله براون در کرمان به اوج خود



می‌رسد و یک سال بعد دوباره در کمبریج به پایان می‌رسد.

ادوارد براون تحت تاثیر دوست شاعر ایرانی‌اش در لندن، درحالی‌که گمان می‌کرد به فرهنگ عثمانی علاقه‌یی خاصی دارد، با ادبیات ایرانی آشنا می‌شود. خلقیات عجیب و غریب ایرانی‌ها بر شدت براون را تحت تاثیر قرار می‌دهد. اگرچه گمان او هنوز این است که دوستش یک فرد خرافص است اما سفرش به ایران به او و به هر خواننده‌یی اثبات می‌کند که همه ایرانی‌ها برای خودشان افراد خاصی هستند و از نوعی زندگی و صفای وسوسه‌انگیز بهره‌مندند. براون با سخی‌ها و مشقات سفر در آن زمان خود را به سرحدات ایران می‌رساند و ماجرای او با ایرانی‌ها ایرانی‌ها از همان مرز عثمانی آغاز می‌شود. هر جا و در هر شهری با استقبال گرم ادبا و فضلا و بزرگان شهر روبه‌رو شده و در محفل بزرگان آنجا پذیرفته می‌شود؛ محفل‌ها و مجلس‌هایی که خالی از حکمت نیست و نیاز مغرب‌براون به گنجینه حکمی، ادبی ایران را ازایش می‌دانست حکمت ملاصدرا و ملاهادی سبزواری گفته تا آشنایان، شعرای نامدار ایرانی ارضا می‌کند. در میان این شهرها فقط تهران است که در محدوده مرزهای محدودش در آن زمان تا حدودی مدرن شده و مناسبات مدرنینه، شاید کمی بیشتر از کرمان و حتی حرّی و شاه‌عبدالعظیم چندان قائل به این مناسبات مدرن نبینند.

«مقدمه، از انگلستان به سرحد ایران، از سرحد ایران به تبریز، از تبریز به تهران، تهران، تصوف و ماوراءالطبیعه و سحر و جادو، و از تهران به اصفهان، اصفهان، از اصفهان به شیراز، شیراز، شیراز (دنباله)، از شیراز به یزد، از یزد به (دنباله)، از یزد به کرمان، جامعه کرمان، درمیان قلندران، از کرمان به انگلستان» عناوین فصول کتاب براون هستند که شاید از میان آنها فصل هفدهم (در میان قلندران) جذابیت بیشتری نسبت به بقیه داشته باشد. فصلی که حاوی استحاله کامل براون در فرهنگ ایرانی آن روزگار است؛ آنگذر که این وسوسه که یکی خیل کمبریج شود هم به جان او می‌افتد. براون در اینجا داستان عملاً به تریاک که گویا آن موقع در کرمان و ایران رواج داشته، معناد می‌شود و با لحنی شنایش‌آمیز از میلی که حتی پس از ترک پردرمسرتا پاپایان عمر به یادگار در او باقی می‌ماند، داد سخن سر می‌دهد و فضایی بدیع و خواندنی از خلقیات و محافل ایرانی در آن زمان، به دست مخاطبان مشتاق می‌دهد که خواندن آن و نمونه‌های مشابه سایر شرق‌شناسان و ایران‌شناسان قدیمی، قطع و یقین خالی از لطف نیست.

گفت‌وگو با روزنامه نگار و ایران‌شناس ارمنی

تهران را سخت می‌شود دوباره شناخت

ظفر مرادی

عکس: مهدی حسینی

– شما رشته تحصیلی‌تان ایران‌شناسی است. یک مقدار توضیح می‌دهید که کجا درس خواندید و چرا ایران‌شناسی را انتخاب کردید؟

ایران‌شناسی را در دانشگاه ایروان خواندم. من متولد ایران هستم، اما سال‌های آخر دوره دبیرستان به ارمنستان مهاجرت کردم و تابعیت ارمنی گرفتم. همه دوستان من ایران بودند و من یک علاقه درونی و حس عاطفی به ایران داشتم. برای همین به‌رغم اینکه در دوره دبیرستان ریاضی می‌خواندم، ایران‌شناسی را در دانشگاه انتخاب کردم و همین رشته را بعد در دانشگاه تدریس کردم.

– یعنی نوستالژی‌که نسبت به ایران داشتید، باعث شد این رشته را انتخاب کنید و ادامه بدهید؟

بله. دقیقاً.

– ایران و ارمنستان به لحاظ جغرافیایی تقریباً در یک منطقه قرار دارند و این باعث شده شباهت‌های فرهنگی با هم داشته باشند. ضمن اینکه یک پیشینه و سابقه فرهنگی هم بین دو کشور و دو ملت وجود دارد. یک زمانی ما هم هم‌مرز بودند، کمابینکه الان هم هستند. . .

نه تنها هم مرز بودند، در گذشته هم کیش هم بودند. قبل از مسیحیت و قبل از اسلام خدایان و دین مشترکی داشتند. مردم هر دو آیین مهرپرستی داشتند. آن‌هایتا و مهر خدایان مشترک ما بودند.

– حالا اگر موافقت کمی درباره مشترکات فرهنگی‌تان، با توجه به شناختی که شما از دو فرهنگ دارید صحبت کنیم.

می‌توانم به مشترکاتی که در بعضی از آداب و رسوم داریم اشاره کنم که ریشه تاریخی دارند. مثلاً در جشن‌های باستانی می‌توان به خوبی رد این مشترکات را دید. حتی در مراسمی که مردم هر کشور به آن رنگ مذهبی خود را داده‌اند و در کشور دیگر فراموش شده. مثلاً جشن «آب‌پاشان» که ارمنی‌ها به آن رنگ مسیحیت داده‌اند و در یک مناسبت مذهبی آن را برگزار می‌کنند. یا جشن نوروز که در کشور ما و ایران برپا می‌شود، کاملاً با هم مشابهت دارد و سوازی برخی تغییرات جزیی، شبیه هم برگزار می‌شوند. یا به لحاظ زبانی هم زیاد شباهت وجود دارد. زبان‌شناسان ایرانی که می‌خواهند ریشه‌های برخی لغات در زبان پهلوی ایران را پیدا کنند، ناچارند زبان ارمنی را یاد بگیرند. حماسه‌ها و افسانه‌های ایرانی و ارمنی هم خیلی نزدیک به یکدیگر هستند. اینها چیزهایی است که به نظر من می‌رسد.

– اینها که گفتید درباره مشترکات فرهنگی در سه بخش رسوم، زبان و اسطوره‌های حماسی دو ملت بود. در خلق و خوی مردم ایران و ارمنستان چه شباهت‌هایی می‌بینید؟

اصلاً شباهتی هست؟

بله. شباهت‌هایی هست. خون‌گرم و مهمان‌نواز هستند. ضمن اینکه از لحاظ ظاهری هم خیلی شبیه هم هستند. ما اگر یک ایرانی در کوچه‌های ایروان ببینیم، نمی‌توانیم تشخیص بدهیم که ارمنی نیست. به لحاظ ظاهری خیلی شبیه هم هستیم که این هم طبیعتاً است.

چون مردم دو کشور هم نژاد هستند.
– در آن منطقه جمهوری آذربایجان هم هست که فکر می‌کنم مشترکات ظاهری و فرهنگی آنها با ایرانی‌ها بیشتر باشد، تا ارمنستان. به ویژه آنکه آذربایجان یک زمانی بخشی از کشور ما بود و اصلاً مردم آنجا ما هم ریشه قومی مشترک هم دارند. حتی با همسایگان آن سوی دریای خزر مثل ترکمنستان و تاجیکستان فکر می‌کنم شباهت‌ها، به نسبت ارمنستان بیشتر باشد. این طور نیست؟

البته مشترکات با آذربایجان به لحاظ اینکه آنها هم مثل ایرانی‌ها مسلمان و شیعه هستند، طبیعتاً بیشتر است.

– معماری تهران چطور؟ یک موقعی تهران به شهر کوچه‌باغ‌ها معروف بود. . .

– ببینید تهران الان

البته اگر با دوره قبل از اسلام مقایسه کنید، معلوم است فرهنگ ایرانی تحت تاثیر اسلام بسیار فرق کرده است. حالا هم اگر بخواهم نسبت به آن موقعی که در ایران بودم باید بگویم ایران نسبت به قبل از انقلاب هم فرق کرده است. آن موقع یک فرهنگ بی‌بندوباری بود که الان نیست. ارمنستان هم الان می‌خواهد با این نوع فرهنگ مقابله کند. من یادم می‌آید آن موقع شرایط خیلی مناسب نبود.

– یعنی می‌خواهید بگویید ما غربی‌تر بودیم؟ حداقل در ظاه‌ر این گونه است.

– سوال من البته یک مقدار کلی‌تر بود. می‌خواستم ببینم تحت تاثیر مدرنیت، چه تغییراتی در رفتار و زندگی مردم و در آداب و مناسبات‌شان ایجاد شده است؟

تغییرات بد یا خوبی که الان در جامعه ایرانی می‌بینید، به نسبت آنچه در تاریخ خوانده‌اید یا در گذشته دیده‌اید، در چه چیزهایی است؟

البته نه‌تنها ایران تحت تاثیر پیشرفت صنعتی و تکنولوژی تغییر کرده است همه دنیا متأثر از این تغییرات گسترده جهانی بوده است. این تغییرات اجتناب‌ناپذیر است. حتی ممکن است ۱۰ سال دیگر هم تغییرات زیادی نسبت به امروز داشته باشیم. هیچ کس نمی‌تواند پیش‌بینی کند، اما بعید نیست، همان‌طور که بعضی‌ها در غرب می‌گویند پیشرفت تکنولوژی با این سرعت بشریت را به انهدام بکشاند. جریانی است که نمی‌شود جلوی آن را گرفت. در غرب سرعت پیشرفت بیشتر

گزارش اجتماعی

گفت‌وگو با روزنامه نگار و ایران‌شناس ارمنی

تهران را سخت می‌شود دوباره شناخت

ظفر مرادی



عکس: مهدی حسینی

عکس: مهدی حسینی

«اما بگی جانیان! روزنامه نگار، استاد دانشگاه ایروان و ایران‌شناس ارمنی است که در جریان بازدید از نمایشگاه مطبوعات به پیشنهاد سردبیر به گروه اجتماعی اعتماد آمد تا با او درباره مسائل مختلف دو کشور صحبت کنیم. بگی جانیان در روزنامه «هایاستانی هانراپوتون» (جمهوری ارمنستان) درباره ایران مقاله و گزارش می‌نویسد. او روزنامه اعتماد را بهترین روزنامه ایرانی می‌شناسد و در تحلیلی که بعد از گفت‌وگویمان درباره روزنامه‌های مختلف ایرانی ارائه کرد، نشان داد شناخت خوبی نسبت به مسائل روز سیاسی و اجتماعی ایران دارد. او با روی کار آمدن دموکرات‌ها در امریکا امیدوار است تنش‌ها میان دو کشور کمتر شود و این کاهش تنش‌ها به نفع معادلات سیاسی منطقه منتهی شود. او معتقد است علاوه بر امریکا کشورهای دیگری هم در طول تاریخ در حق ایران احجاف کرده‌اند. از جمله روسیه و برخی کشورهای اروپایی و . . . با این حال بیشتر بحث ما با بگی جانیان درباره مشترکات و مسائل فرهنگی دو کشور بود. در واقع صحبت ما به گونه‌یی پیش رفت که گفت‌وگویی برنامه‌ریزی نشده در تحریریه شلوغ روزنامه، با چند مصاحبه‌کننده دارای نگاه‌های مختلف اقتضا می‌کند.

عکس: مهدی حسینی

عکس: مهدی حسینی

عکس: مهدی حسینی

عکس: مهدی حسینی

عکس: مهدی حسینی

عکس: مهدی حسینی

عکس: مهدی حسینی

عکس: مهدی حسینی

عکس: مهدی حسینی

عکس: مهدی حسینی

عکس: مهدی حسینی

عکس: مهدی حسینی

عکس: مهدی حسینی

عکس: مهدی حسینی

عکس: مهدی حسینی

عکس: مهدی حسینی

عکس: مهدی حسینی

عکس: مهدی حسینی

عکس: مهدی حسینی

عکس: مهدی حسینی

عکس: مهدی حسینی

عکس: مهدی حسینی

عکس: مهدی حسینی

عکس: مهدی حسینی

عکس: مهدی حسینی

عکس: مهدی حسینی

عکس: مهدی حسینی

عکس: مهدی حسینی

عکس: مهدی حسینی

عکس: مهدی حسینی

عکس: مهدی حسینی

عکس: مهدی حسینی

عکس: مهدی حسینی

عکس: مهدی حسینی

عکس: مهدی حسینی

عکس: مهدی حسینی

عکس: مهدی حسینی

عکس: مهدی حسینی

عکس: مهدی حسینی

عکس: مهدی حسینی

عکس: مهدی حسینی

عکس: مهدی حسینی

عکس: مهدی حسینی

عکس: مهدی حسینی

عکس: مهدی حسینی

عکس: مهدی حسینی

عکس: مهدی حسینی

عکس: مهدی حسینی

عکس: مهدی حسینی

عکس: مهدی حسینی

عکس: مهدی حسینی

عکس: مهدی حسینی

عکس: مهدی حسینی

عکس: مهدی حسینی

عکس: مهدی حسینی

عکس: مهدی حسینی

عکس: مهدی حسینی

عکس: مهدی حسینی

عکس: مهدی حسینی

عکس: مهدی حسینی

عکس: مهدی حسینی

عکس: مهدی حسینی

عکس: مهدی حسینی

عکس: مهدی حسینی

گزارش

سازمان‌های غیردولتی پیشگیری

از ایدز به ایران می‌آیند

آزاده بهرامچی

دولت ایران تصمیم گرفته از پيله انزوای خود درآید و به گروه‌های جهانی مبارزه با ایدز بپیوندد. البته اگرچه تحقق این امر هنوز با ممانعت‌های زیادی از سوی بعضی از مسوولان دولتی به خصوص در شهرستان‌ها مواجه است ولی اقدامات صورت گرفته حاکی از وقوع تغییر شگرف در نگاه مسوولان و دولتمردان نسبت به این بیماری و پیشگیری از آن است.

اکنون به سبب تلاش‌های صورت گرفته توسط مسوولان بخش‌های مختلف نه‌تنها به فکر پیشگیری از ایدز افتاده‌ایم بلکه دست به سوی نهادهای جهانی دراز کرده تا به مدد تخصص و تجربه آنها این بیماری را در کشور ریشه‌کن کنیم و خدماتش را حتی در کشورهای همسایه گسترش دهیم. . . .

مجلس شورای اسلامی، چندی پیش در همایش نقش خانواده و تشکل‌های غیردولتی در پیشگیری و کنترل اعتیاد و ایدز که در مجموعه فرهنگی شقایق برگزار شد، گفت: ایران کشوری آسیب‌پذیر در مقابل ویروس HIV و بیماری ایدز است و نیازمند راهکارهایی عملی برای مقابله با این بیماری است. او افزود: یک‌سوم کشور ما را جوانان زیر ۲۰ سال و مستعد هرگونه آسیب اجتماعی تشکیل می‌دهند و از آنجایی که ایران در همسایگی دو کشور افغانستان و پاکستان قرار دارد یعنی کشورهایی که هیچ برنامه‌ی در بحث کاهش‌های آسیب اجتماعی ندارند، ایدز در کشور ما بسیار پررنگ‌تر شده‌است. زهی با اشاره به برنامه چهارم توسعه، اقدامات دولت در این برنامه را ارتقای سطح بهداشت و روان، تقویت بنیان خانواده، شناسایی نقاط آسیب‌خیز، تأمین خدمات بهداشتی، درمانی و مشاوره‌ی، پیشگیری از طریق برگزاری دوره‌های درسی و مددگرفتن از تجارب جهانی عنوان کرد و افزود: «کشور ایران در معرض ترازیت مواد مخدر است. پس باید در پیشگیری از پخش مواد مخدر و گسترش بیماری ایدز که پیوند نزدیکی با مصرف مواد مخدر دارد، از توانمندی‌های ملی، کاردرمانی و روان‌درمانی بیماران با استفاده از تجارب جهانی استفاده کرد.»

گروه جهانی ایدز لینک، یکی از سازمان‌هایی است که تمرکز خود را روی مهاجران معطوف کرده و بر این باور است در صورتی که رشد روزافزون بیماری ایدز در میان پاهندگان ساکن ایران کنترل شود، ایران قادر خواهد بود این بیماری مرگبار را در راحتی در کشور کنترل کند. این سازمان که هم‌اکنون در آفریقای جنوبی به موفقیت‌های چشمگیری دست یافته و یکی از فعالان مبارزه با ایدز در هند و نپال به شمار می‌آید امیدوار است با استفاده از توانایی‌های باقوه‌ی ایران بتواند خدمات خود را در بین مهاجران گسترش دهد.

سازمان آیدز محجوز از وزارت کشور در روزهای ۲۷ و ۲۸ آذر قصد دارد به آموزش پاهندگان افغانی در سالن کنفرانس بیمارستان‌آیه پرداز، امیدوار است با ایجاد پلی بین بخش‌های خصوصی، دولتی و بین‌المللی بتواند باعث ریشه‌کن شدن رشد بیماری ایدز در بین مهاجران خاورمیانه شود. رزمزی هک رئیس سازمان جهانی ایدز لینک که حوزه فعالیت‌هایش امریکای لاتین، آفریقا و آسیا را شامل می‌شود، با قدردانی از تلاش‌های ایران بیان‌داشت: «کشوری که تاکنون در کنترل و پیشگیری از بیماری ایدز ۲۰ میلیون دلار هزینه و ۱۵۰ مرکز DIC و مراکز MMT راه‌اندازی کرده‌است و طول درمان معنادان را از یک ماه به دو سال افزایش داده، به طور قطع توانایی و پتانسیل لازم را برای ریشه‌کن کردن این بیماری در منطقه دارد.

خوشبختانه این سازمان با برقراری ارتباط با کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پاهندگان موفق شده عالی‌فعالیت خود را برای اولین بار در ایران در قالب کارگاه آموزشی دروزره آغاز کند. شاید به جرات بتوان گفت برگزاری این کارگاه یکی از اقدامات بسیار قابل توجه و تحسین در زمینه پیشگیری از ایدز در کشور است زیرا برای اولین بار در کشور سازمان ملل، سازمان‌های غیردولتی جهانی مانند ایدز لینک و ایرپشن مرده و بخش خصوصی (بیمارستان آیه) دست به دست هم می‌دهند تا قدمی بزرگ را در اعتلای بهداشت کشور بردارند. دکتر علیزاده رئیس بیمارستان آتیه می‌گوید: «ما امیدواریم همکاری سازمان‌های دولتی و خصوصی در زمینه پیشگیری از ایدز در درمان آن روز به روز گسترش پیدا کند و همه مسوولان و نهادهای با در اختیار گذاشتن امکانات و توانایی‌های خود دست به دست هم دهند و طاعون قرن را برای همیشه در ایران از بین ببرند.»

دکتر علیزاده بر این باور است که تلاش‌های سازمان‌های دولتی به تنهایی پاسخگوی نیاز اصلی و اساسی کشور برای پیشگیری از بیماری ایدز نیست و در صورتی که بخش‌های خصوصی همکاری خود را با دولت آغاز نکنند ایران قادر نخواهد بود به اهداف خود در زمینه پیشگیری و کنترل بیماری ایدز دست پیدا کند. دکتر کاکویی یکی از پزشکان متخصص بیمارستان آتیه در زمینه بیماری‌های عفونی است که سال‌هاست در بخش‌های مختلف به مبارزه با این بیماری پرداخته‌است. او بر این باور است که برگزاری نشست‌ها و کارگاه‌های مختلف با مسوولان بخش‌های خصوصی، دولتی و نهادهای جهانی مانند سازمان ملل فرصت بسیار مناسبی را برای انتقال تجربیات و دانش در بین فعالان مبارزه با ایدز پدید می‌آورد. او معتقد است که بعداً صورتی که در این

موفق به کنترل این بیماری در بین مهاجران شونده‌تنها به راحتی قادر خواهد بود گسترش ایدز را در کشور کنترل کند بلکه می‌تواند دانش خود را نیز به کشورهای همسایه صادر کند. از زمان ظهور ایدز در جهان تاکنون حدود ۶۰ میلیون فرد آلوده به ویروس ایدز شناسایی شده‌اند، هم‌اکنون بیش از ۳۳ میلیون نفر با آ‌ج‌وی زندگی می‌کنند و ۲۷ میلیون نفر به علت این بیماری تاکنون فوت شده‌اند. طبق آمارها، تقریباً در هر ۱۴ ثانیه، یک جوان ۱۵ تا ۲۵ ساله به آ‌ج‌وی مبتلا می‌شود و در هر دقیقه دو کودک بر اثر بیماری ایدز یتیم می‌شوند و در هر دو دقیقه یک کودک بر اثر بیماری‌های مرتبط با ایدز جان خود را از دست می‌دهد. ایران با توجه به آمارهای جهانی تاکنون در جایگاه خوبی در زمینه پیشگیری و کنترل بیماری ایدز قرار دارد. بر اساس آمارهای تاکنونی ۱۸ هزار و ۳۰۰ فرد آلوده به ایدز در کشور شناسایی شده‌اند که عدده‌ای از آنها فوت شده‌اند.

فر وپاشی شوروی که اقتصاد ما را هم تحت تاثیر قرار داد، باز هم زن‌ها فعالیت می‌کنند. شرکت‌هایی هستند که توسط زنان اداره می‌شوند، یا در دانشگاه استادان زن تدریس می‌کنند و حضور جدی دارند. قطعاً دخترانی که تسلط بیشتری در رشته‌یی دارند، برای کار به پسرانی که تسلط کمتر دارند، ترجیح داده می‌شوند. عکسش هم هست. البته باید این نکته را هم در نظر داشته باشیم که در حال حاضر تعداد زنان ارمنستان، پنج برابر بیش از مردان است. . . .

– پنج برابر، چرا؟

بعد از فروپاشی اقتصاد چون مردان نمی‌توانستند خانواده را نگه دارند به روسیه و اروپا مهاجرت کردند. گفتند می‌رویم آنجا کار می‌کنیم، پول برای خانواده می‌فرستیم. این باعث به هم خوردن تعادل شد، وگرنه قبل از فروپاشی این‌طور نبود. با این حال ملاک برای فعالیت‌های اجتماعی و کار، کارایی افراد است و جنسیت آنها مهم نیست.

– اما مثل اینکه فقط ۱۵ درصد نمایندگان پارلمان شما زن هستند.

بله. این دیگر اقتضانات مسائل سیاسی و حزبی است.

– وزیر زن هم دارید؟

بله. دو وزیر زن داریم.

فرهنگ و وزیر امور ارانه خارج از کشور. در ارمنستان محدودیت برای زنان نیست، اما زنان به‌طور باطنی دوست دارند در خانه باشند.

فرزندان‌شان را خودشان تربیت کنند.

– از لحاظ حقوقی چطور؟ مثلاً خانواده‌ها آنجا می‌توانند دختران‌شان را

طه بزرگ شوهر دهند؟ یا حضانات فرزندان بعد از

طلاق. . .

نه. قانون اجازه ازدواج‌های اجباری نمی‌دهد ولی قوانینی هست که بچه‌ها بعد از طلاق باید پیش مادرشان باشند. پدر با تعیین دادگاه کمک‌هزینه نگهداری فرزندان را می‌دهد.

– در بحث شباهت‌های فرهنگی دو کشور، می‌توانیم بگوییم یکی از این مظاهر شباهت در هنر دو ملت است. مثلاً در موسیقی به خصوص در این چند سال اخیر ما شاهد همکاری هنرمندان دو کشور در زمینه ارائه موسیقی تلفیقی و جهانی بوده‌ایم. با توجه به این شناخت نسبی ما از موسیقی ارمنی، به نظر می‌رسد فعالیت‌های مشترک شرقی و ایرانی است. آلات موسیقی ما در ایران هستند. اما ارمنی‌ها که با مردم ارمنستان ریشه مذهبی و نژادی یکسان دارند، عملاً در ایران یک اقلیت ویژه هستند. دوست دارید در این باره هم کمی توضیح بدهید؟

اقلیت‌های ارمنی ایران، همان ارمنی‌هایی هستند که زمان جنگ ارمنستان با عثمانی به ایران مهاجرت کردند. برایشان در ایران آن موقع تسهیلات فراهم کردند که بتوانند کارهای تجاری مثل تجارت ابریشم داشته باشند. ارمنی‌های ایران در واقع جزیی از ملت ارمنستان هستند که ۴۰۰ سال پیش به ایران آمدند، اما ارتباط‌شان با سرزمین اصلی همسایه‌ها در طول این مدت برقرار بوده است.

– علت اینکه اقلیت ارمنی در ایران پایگاه ویژه‌یی دارند، چیست؟

اقلیت‌های دیگج ما، چه اقلیت‌های مذهبی و چه قومی، مثل ارمنی‌ها قوی نیستند. باشگاه‌های فوتبال که سال‌ها پیش به عنوان یک باشگاه فرهنگی و ورزشی در مجامع فرهنگی و ورزشی حضور جدی داشته و نمایندگان ثابت در مجلس دارند که به لحاظ تعداد به سایر اقلیت‌ها برتری نسبی دارند.

من این مساله را جور دیگری می‌بینم. در ایران حدوداً ۶هزار ارمنی زندگی می‌کنند. اینها بیشتر اقلیت مذهبی و دینی هستند، تا اقلیت قومی. ولی چون ارمنی‌ها قبلاً زیادتر بودند، به آنها دو کرسی در پارلمان

دادند که این به صورت سنتی تا به امروز هم باقیمانده است. اما باید این نکته را در نظر داشته باشید که ایرانی‌ها خودشان تلاش کردند تا این جایگاه را در ایران به دست بیاورند. البته ایرانی‌ها هم به ارمنی‌ها همیشه با نگاه خوب نگریده‌اند. اما اقلیت‌های دیگر دینی، مثلاً اقلیت‌های اسلامی، عملاً هیچ فرقی ندارند. اینها در لحاظ بخوانند می‌توانند حضور اجتماعی داشته باشند. به لحاظ قانونی برای هیچ اقلیت قومی یا مذهبی اسلامی محدودیتی وجود ندارد. لافال به صورت رسمی این‌طور نیست.

– وضعیت حقوقی و اجتماعی زنان در ارمنستان، به نسبت ایران چگونه است. شما اصلاً درباره وضعیت زنان ایرانی مطالعه‌ی داشته‌اید؟

در زمان شوروی زن و مرد باید کار می‌کردند. در آن موقع وضع حتی در پست‌های مدیریتی مساوی بود. بعد

گزارش اجتماعی

گفت‌وگو با روزنامه نگار و ایران‌شناس ارمنی

تهران را سخت می‌شود دوباره شناخت

ظفر مرادی



عکس: مهدی حسینی

عکس: مهدی حسینی

عکس: مهدی حسینی

عکس: مهدی حسینی

عکس: مهدی حسینی

عکس: مهدی حسینی

عکس: مهدی حسینی

عکس: مهدی حسینی

عکس: مهدی حسینی

عکس: مهدی حسینی

عکس: مهدی حسینی

عکس: مهدی حسینی